

بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر
پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان

**Investigating the relationship between parenting styles
and social responsibility of fifth-grade elementary school girls
and the mediating role of mothers' personality traits in Hamedan city**

Zahra Fazlpour

Master's degree, educational psychology, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Email: Zahranazari.5829@gmail.com

Fariba Monzami Tabar

Assistant professor and faculty member, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

زهرا فضل‌پور*

کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

فریبا منظمی تبار

استادیار و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the relationship between parenting styles and social responsibility of fifth grade elementary school girls and the mediating role of mothers' personality traits in Hamadan city. Method: The research is applied in terms of purpose and descriptive in terms of correlation type. The statistical population consisted of all female students of the fifth grade of elementary school and their mothers. Sampling was available. Based on the formula of Fidel and Tabachnig (2007), 106 people were selected from the mentioned statistical population, which was increased to 120 people out of caution. The research tools were three questionnaires of parenting styles of Bamrind (1991), social responsibility of Brass (2009) and personality characteristics of Neo (1992). In order to test the hypotheses, the path analysis method was used using Lisrel 8.5 software. Findings: The analysis of the results showed that the model had a good fit, the gamma path of libertarian style to responsibility and the gamma path of autocratic style to responsibility is significant. The beta coefficient from neuroticism to responsibility is significant. Conclusion: Irresponsibility of children will have

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان انجام شد. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری را همه دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و مادران آنها تشکیل داد. نمونه‌گیری در دسترس بود. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیگ (۲۰۰۷) ۱۰۶ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. ابزار پژوهش سه پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی براس (۲۰۰۹) و ویژگی‌های شخصیتی نئو (۱۹۹۲) بود. جهت آزمون فرضیه‌ها از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار لیزرل ۸.۵ استفاده شد. تحلیل نتایج نشان داد به طور کلی مدل از برازش مطلوبی برخوردار بود، مسیر گاما سبک آزادگرا به مسئولیت‌پذیری و مسیر گاما سبک مستبدانه به مسئولیت‌پذیری معنادار است. مسیر بتا از روان رنجورخویی به مسئولیت‌پذیری معنادار است. بی‌مسئولیتی فرزندان، تبعات بسیار ناگوار در زندگی آینده آنها خواهد داشت بنابراین والدین به این نکته مهم واقف باشند و روش فرزندپروری خود را در جهت روش فرزندپروری اقتدار منطقی سوق دهند.

بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان

very unfortunate consequences in their future life, so parents should be aware of this important point and move their parenting method towards logical authority parenting method.

Keywords: parenting styles, social responsibility, personality traits.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ویژگی‌های شخصیتی.

نوع مقاله : پژوهشی	دریافت : فروردین ۱۴۰۱	پذیرش: خرداد ۱۴۰۲
--------------------	-----------------------	-------------------

مقدمه

خانواده، اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که از دید همه ادیان، مذاهب و مکاتب به عنوان نهادی عالی، بسیار با اهمیت و غیر قابل جایگزین تلقی می‌شود. خانواده با کارکردهای مهمی، از جمله بازتولید نیروی انسانی، تأمین نیازهای عاطفی و سلامت روانی، ارتقاء ظرفیت تحمل و مدارا دارای نقشی سازنده در تأمین یکپارچگی اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری، تربیت فرزندان، ارائه الگوها و هنجارهای اخلاقی - رفتاری است. پرورش و تکامل کودک و نوجوان در اولین مرحله زندگی در محیط خانواده و محل زندگی است. همگی اینها تضمین‌کننده نقش اجتماعی خانواده و رابطه این نهاد مهم با سرمایه اجتماعی است تا آنجا که می‌توان از واقعیتی تحت عنوان سرمایه خانواده سخن گفت. اولین متغیر مورد بررسی پژوهش حاضر، سبک‌های فرزندپروری^۱ است در این رابطه می‌توان گفت، مطالعات اصلی در زمینه شیوه‌های فرزندپروری به کارهای بامریند^۲ (۱۹۷۱) بر می‌گردد (بارتولومی، مونیتل، فیامنجی و ماکادو^۳، ۲۰۱۶) طبق نظر بامریند (۱۹۷۱) شیوه‌های فرزندپروری والدین را می‌توان بر اساس دو بُعد توقع (کنترل رفتاری) و پاسخدهی (گرمای عاطفی و حمایت والدین) به سه شیوه فرزندپروری مستبدانه (توقع بالا، پاسخدهی پایین)، سهل‌گیرانه (توقع پایین، پاسخدهی بالا) و مقتدرانه (توقع بالا، پاسخدهی بالا) دسته‌بندی کرد (میشار و کی ران^۴، ۲۰۱۷).

در رابطه با مسئولیت‌پذیری^۵ می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری یک الزام درونی و تعهد درونی از سوی فردی برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی است که بر عهده‌اش گذاشته شده است می‌باشد و از درون فرد سرچشمه می‌گیرد. فردی که مسئولیت کاری را بر عهده می‌گیرد، قبول می‌کند که یک سری فعالیت‌ها و کارها را انجام دهد و یا بر انجام این کارها توسط دیگران نظارت داشته باشد. به عبارت دیگر مسئولیت‌پذیری تعهدی است که انسان در قبال امری می‌پذیرد و کسی که به او کاری واگذار شده، پیامد آن کار به عهده اوست. چنانچه فرد برای ارضای نیازهای روش‌های مؤثری را پیدا نکند دست به رفتارهای گوناگونی می‌زند که در روان‌شناسی رایج به این رفتارهای ناکارآمد و نامؤثر برجسب بیماری می‌زنند مثل افسرده، مضطرب، منزوی (گلاسر^۶، ۲۰۱۳). به اعتقاد وی، ناکامی در برآورده سازی نیازهای اساسی یک تجربه عمومی و همگانی است چرا که واقعیت همیشه با ما هم‌نوا نیست. اما برخی افراد هنگامی که در برآورده کردن نیازهایشان ناکام می‌شوند به جای پذیرفتن مسئولیت و جستجوی راه‌های مؤثر دیگر برای ارضای نیازهای خود و انجام عمل مسئولانه برای تأمین آنها، مسئولیت‌گریزانه رفتار می‌کنند. یعنی با دیگران (همسر، فرزند، والدین، همکاران و دوستان) را مسئول ناکامی خود می‌دانند و یا توقع دارند که واقعیت به نفع آنها کنار برود. درباره مسئولیت و رابطه آن با زندگی، گلاسر (۲۰۱۳) معتقد است که ناخشنودی و افسردگی، نتیجه عدم

¹ parenting practices

² Baumrind

³ Bartholomeu, Montiel, Fiamenghi & Machado

⁴ Mishar & Kiran

⁵ Social responsibility

⁶ Glasser

احساس مسئولیت است. فرد غیر مسئول نه برای خود و نه برای دیگران ارزش قائل است در نتیجه خود و دیگران را آزرده می‌کند (گلاسر ۱۹۹۸؛ ترجمه صاحبی، ۱۳۹۰). به عقیده گلاسر (۲۰۱۳) پذیرش مسئولیت نشانه بارز سلامت روان است، کار و مسئولیت به زندگی معنا و مفهوم می‌بخشد.

در ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی^۷ شخصیت از واژه یونانی پرسونا^۸ به معنای نقابی که هنرپیشه‌ها در هنگام اجرای نقش‌های خود به صورت می‌زنند اخذ گردیده است و می‌توان آن را الگوهای اختصاصی و متمایز از تفکر، هیجان و رفتار دانست که اسلوب شخصی تعامل با محیط فیزیکی و اجتماعی هر شخص را رقم می‌زند (اتکینسون و اتکینسون، ۲۰۰۰^۹؛ ترجمه براهنی، بیرشک، بیگ و همکاران، ۱۳۹۶). شخصیت از چند بُعد تشکیل شده، ابعاد شخصیت، توافقی است میان روان‌شناسان که پنج بُعد یا عامل اصلی در توصیف همه صفات شخصیت وجود دارد که عبارتست از: نوروزگرایی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و مسئولیت‌پذیری (اخوت و دانشمند، ۱۳۸۴).

مسئولیت فرایندی است که فرد باید از اولین سال‌های کودکی آن را آموخته تا با وظایف متعددی که در دوران‌های مختلف زندگی روبه‌رو می‌شود مسئولانه برخورد کند. مسئولیت‌پذیری افراد در هر جامعه‌ای، یکی از ارزش‌های آن جامعه محسوب می‌شود و از شاخص‌های مهم سلامت روان محسوب می‌شود. در واقع مسئولیت‌پذیری باعث خواهد شد که فرد در بزرگسالی نیز بتواند مسئولیت کارهای خود را بر عهده بگیرد، فردی مستقل باشد و بتواند شکست‌ها و موفقیت‌هایش را نیز بپذیرد. از طرفی کودکان مسئولیت‌پذیر امکان رشد بهتری در اجتماع خواهند داشت. همچنین آنها بهتر می‌توانند از خود مراقبت کنند با توجه اهمیت سبک تربیت و فرزندپروری در مسئولیت‌پذیری فرزندان و اهمیت ویژگی شخصیتی در نوع به کارگیری سبک فرزندپروری کمتر پژوهشی به ارتباط این موضوع در دانش‌آموزان مقطع پایه پنجم ابتدائی پرداخته است. با عنایت به مطالب فوق و با توجه به این که پژوهشی با این عنوان تا کنون صورت نگرفته لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران ارتباط دارد؟

مبانی نظری

سبک‌های فرزند پروری

خانواده اولین و مهم‌ترین پایگاه اجتماعی است که در تربیت، اجتماعی کردن و آموزش فرزندان نقش دارد (گومز-اورتیز، دلری، کاستاس و اورتگاریز، ۲۰۱۴). شواهد محکمی وجود دارد که سبک‌های فرزندپروری منجر به تحکیم خانواده در برابر قلدری و تجارب، بزه‌دیدی می‌شود (جئورجیو، اینانو و استاورینیدس، ۲۰۱۸؛ فوسیانی، دیمیتروپولو، میچالیدس و ون پیتگی، ۲۰۱۶). سبک‌های فرزندپروری توسط بامریند (۱۹۹۱) مطرح شده است که با سه سبک مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه مشخص می‌گردد. والدینی که از سبک مستبدانه استفاده می‌کنند دارای رفتارهای سرد، خشن و بی‌اعتنا هستند که کنترل زیادی روی رفتارهای فرزند خود دارند. این خانواده‌ها بسیار رفتارهای سلطه‌جویانه دارند و همیشه دنبال افزایش قدرت و تسلط خود در خانواده هستند (راجندران، کراسوسکی و هالپرین، ۲۰۱۶). همین باعث می‌گردد فرزندان این افراد مضطرب، گوشه‌گیر، خشن و غمگین باشند و دنبال فرصتی هستند تا خشم و نفرتی که نسبت به والدین ظالم خود دارند را خالی کنند. به همین دلیل می‌توان انتظار داشت در دوران نوجوانی و بلوغ رفتارهای پرخاستگرانه و قلدرانه از این افراد به خصوص پسران بروز داده شود (فرزادی، بهروزی و شهنی ییلاقی، ۱۳۹۵).

⁷ personality traits

⁸ Persson

⁹ Atkinson & Atkinson

بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان

در مقابل والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه تلاش می‌کنند با برقراری یک رابطه گرم و سازنده با فرزندان شان تعامل کنند (کرزو، رویز استیبان، لاکاسا و گونزالو، ۲۰۱۸). در این سبک والدین از فرزندانشان انتظار رفتار مناسب و عاقلانه دارند؛ در همین راستا راه‌های رسیدن به موفقیت و رفتار مناسب را نیز به آنها آموزش می‌دهند. سبک مقتدرانه فرصتی را در اختیار فرزندان قرار می‌دهد تا خواسته‌ها و نظرات‌شان را بیان کنند. همین موضوع باعث می‌شود در تصمیم‌های خانواده دخیل باشند و بکوشند بهترین عملکرد را از خود به نمایش بگذارند تا اعتماد والدین را جلب نمایند (چارالاموس و همکاران، ۲۰۱۸).

سبک سهل‌گیرانه به فرزندان اجازه می‌دهد تا تمام تصمیمات مهم زندگی را خودشان اتخاذ نمایند. در واقع یک آزادی گسترده وجود دارد که در آن نوجوان هرکاری که دلش بخواهد را انجام می‌دهد بدون اینکه بخواهد با والدین و اطرافیان خود مشورت کند (مارتینز، مورگوی، گارسیا و گارسیا، ۲۰۱۹). والدین سهل‌گیر در ظاهر بسیار مهربان و پذیرا هستند اما در واقع پختگی و آمادگی لازم را برای اداره خانواده و تربیت فرزندان ندارند. اینگونه سبک تربیتی منجر به ایجاد رفتارهای مخالف عرف خانواده و جامعه می‌شود (اصلان، ۲۰۱۱). همچنین انتظار می‌رود بسیاری از این کودکان در بزرگسالی آسیب‌پذیرتر باشند (جنوریو و همکاران، ۲۰۱۸). در این راستا، وکوما و اودوچوکو (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای نشان دادند در خانواده‌های طلاق و چندهمسری و همچنین در خانواده‌هایی با سبک فرزندپروری مستبدانه، رفتارهای قلدرانه و پرخاشگرانه بیشتری دیده می‌شود (حاجی علیانی و همکاران، ۱۴۰۰).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان

مسئولیت‌پذیری از مفاهیم مهم در حوزه روانشناسی تربیتی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود جلب کرده است. درک افراد از مسئولیت‌پذیری و میزان آن از جمله تغییرات مهم تحولی در حوزه شناختی-هیجانی-اجتماعی است که اکتسابی بوده و آموخته می‌شود (نوابی، ۲۰۰۸). مسئولیت‌پذیری؛ قابلیت پذیرش پاسخگویی و به عهده گرفتن کاری است که از کسی درخواست می‌شود و شخص حق دارد آن را بپذیرد و یا رد کند (یکتاپرست و همکاران، ۱۴۰۰). در تعریفی دقیق‌تر مسئولیت‌پذیری شامل مواردی همچون مراقبت از خود و محیط پذیرش نتیجه عمل رعایت مقررات انجام تکالیف و وظایف محوله انجام سر وقت تکالیف، تمرکز و اتمام آن است (بورگاس و کامرو، ۲۰۲۰).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان احساس تعهد و واکنش هر یک از افراد در قالب نقش‌های خود به دیگران تعریف می‌شود و شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی فرهنگی و زیست محیطی می‌باشد (کرادوک، اسپوتس وود و دیدریچ^{۱۱}، ۲۰۲۲). در تعریفی دیگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان تعهد مداوم برای رفتار به شیوه اخلاقی و با هدف بهبود کیفیت زندگی افراد خانواده و جامعه و تلاش برای بهبود وضعیت جامعه تعریف شده است (فیلهو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۹). این سازه را می‌توان پیوند دهنده افراد به یکدیگر دانست که به افراد احساس تعلق جمعی می‌دهد و افراد در راستای توجه به منافع جمعی حرکت می‌کنند (پائولا پلاکیسو^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۱). مسئولیت‌پذیری اجتماعی با سازه‌هایی مانند توسعه، اخلاقی، همدلی نوع دوستی و ارزشها و رفتارهای اجتماعی همپوشی دارد و به احساس مسئولیت در برابر تصمیم‌ها و رفتارهای، شخص اعتماد به دیگران و صاحب اختیار بودن درباره رفتارهای تحت کنترل شخص اشاره دارد (گالواو^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۹). رفتار مسئولانه از شاخص‌های انسان سالم در هر جامعه‌ای است و تقویت و آموزش آن فقط با آموزش مسئولیت‌پذیری اجتماعی امکان پذیر خواهد بود؛ به

¹⁰ Burgos and Camero

¹¹ Craddock, Spotswood, Rumsey and Diedrichs

¹² Filho

¹³ Paola Palacios

¹⁴ Galvao

طوری که در مسئولیت پذیری اجتماعی افراد گرایش مسئولانه دارند، برای انجام فعالیتهای مسئولانه احساس شایستگی میکنند خود را در انجام فعالیتهای مسئولانه اثرگذار میبینند و اعمال و فعالیتهای مسئولانه انجام میدهند (رزاقی و همکاران، ۱۴۰۲). آموزش مسئولیت پذیری اجتماعی باعث ارتقاء مهارت‌های شهروندی افراد جامعه میشود که آثار آن در بهبود روابط اجتماعی کاهش رفتارهای سوء اجتماعی و افزایش ویژگی‌های مثبت فردی قابل مشاهده است (لاک، ۱۵ و همکاران، ۲۰۱۹). در زمینه مسئولیت پذیری، پژوهش‌ها نشان داده اند در مراحل اولیه تحول در گستره عمر (کودکی و نوجوانی افراد فقط نیازهای خاص خود را در نظر میگیرند؛ در مرحله بعد، زمانی که فرد از خودمیان بینی به طرف مسوولیت‌پذیری حرکت میکند کشف مفهوم مسوولیت پذیری موجب میشود که فرد نیازهای خود و دیگران را در نظر بگیرد و به تدریج برای دیگران دریچه ای باز کند. بر این اساس، در سنین نوجوانی و سنین قبل از بزرگسالی که سن اکتشاف هویت سن بی ثباتی و سن تمرکز بر خود است (آرتن، ۲۰۰۷) مسوولیت پذیری در سطوح پایینتری است. در سنین بزرگسالی فرد علاوه بر مسوولیتهای خانوادگی، مسوولیت‌های اجتماعی را نیز به عهده میگیرد و به فعلیت درآوردن مسوولیتهای سیاسی و اجتماعی از وظایف جدید تحولی در این سنین به شمار می آید (یکتاپرست و همکاران، ۱۴۰۰).

ویژگی شخصیتی مادران

ویژگیهای شخصیتی را به عنوان ابعاد تفاوت‌های فردی در تمایل نشان دادن الگوهای پایدار فکر، احساس و عمل تعریف می‌کنند (وانستون و همکاران، ۲۰۱۹؛ ترکمن و مرادی، ۱۳۹۹)

منظور از ویژگی یک خصوصیت نسبتاً پایدار است که باعث میشود افراد به شیوه‌های خاصی رفتار کنند. شخصیت‌الگویی از خصوصیات نسبتاً دائمی و ویژگی‌های منحصر به فردی است که به رفتار یک فرد هم ثبات و هم ویژگی‌های خاص می‌دهد. مک‌گری و کاستا (۱۹۹۶) ویژگیهای شخصیتی را به عنوان ابعاد تفاوت‌های فردی در تمایل نشان دادن الگوهای پایدار فکر، احساس و عمل تعریف می‌کنند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۸).

یونگ^{۱۶} (۱۹۳۳) کل شخصیت یا روان را شامل مجموعه‌ای از ساختارها یا نظام‌های جداگانه‌ای می‌دانست که اگر چه کاملاً از یکدیگر تفاوت دارند، ولی با وجود این می‌توانند بر هم تأثیر گذارند. این نظام‌های عمده عبارتند از خود، ناهشیار شخصی^{۱۷} و ناهشیار جمعی خود، ذهن هشیار است یعنی آن بخش از ذهن که به ادراک، تفکر، احساس و یادآوری مربوط می‌شود. این بخش شامل آگاهی ما از خویش و مسئول انجام فعالیت‌های طبیعی زندگی در زمان بیداری است. خود دارای انتخاب کارکردی است و تنها محرک‌هایی را به ذهن هوشیار و آگاه راه می‌دهد که پیوسته در معرض آنها قرار داریم. منظور از شخصیت، یک سری از ویژگی نسبتاً پایدار، دایم و منحصر به فردی است که به رفتار انسان ثبات داده و او را نسبت به دیگران متمایز مینماید. شخصیت میتواند راهبردهای مقابله با مشکلات را برای افراد تنظیم نماید. برای مثال بعضی از افراد در مواجهه با مشکلات و مسائل زندگی مستأصل یا انزوای طلب شده، بنابراین تالش برای فرار از مشکل یا اجتناب از آن دارند. برخی دیگر به ابراز احساس یا هیجانات خود پرداخته و برخی ضمن کمک از دیگران درصدد مقابله و حل آن بر می‌آیند. از اینرو، راهبردهای گوناگون حل مسئله افراد در برابر فشارهای زندگی باعث می‌گردد واکنش و بازخوردهای متفاوتی از سوی آنان می‌شود (شمس و همکاران، ۱۴۰۱).

¹⁵ Lak

¹⁶ Yong

¹⁷ personal unconscious

بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمان یک پژوهش مقطعی، از لحاظ نوع داده‌ها کمی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و مادران آنها تشکیل داد. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنینگ (۲۰۰۷) ۱۰۶ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. (به موازات انتخاب ۱۲۰ دانش‌آموز، ۱۲۰ نفر از مادران دانش‌آموزان نیز انتخاب و پرسشنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی توسط دانش‌آموز و پرسشنامه شیوه‌فرزندپروری و ویژگی‌های شخصیتی، توسط مادران آنها تکمیل شد) روش نمونه‌گیری در دسترس بود. پرسشنامه دموگرافیک که شامل سؤال‌های جمعیت‌شناختی شامل سن، تحصیلات بود. سایر ابزارهای مربوط به پژوهش حاضر، پرسشنامه‌های استاندارد بودند که شامل: پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده آن به شیوه استبدادی، و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی، والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. در این پژوهش آزمودنی‌ها که مادران نمونه‌های مورد مطالعه بودند باید با مطالعه هر ماده، نظر خود را با علامت ضربدر بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم و موافقم) مشخص کنند که بعداً و به ترتیب از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید. مؤلفه‌های پرسشنامه: مؤلفه شیوه آزادگذاری، (۱۰ عبارت). (۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹). مؤلفه شیوه استبدادی، (۱۰ عبارت). (۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۲۶). مؤلفه شیوه اقتدار منطقی (۱۰ عبارت). (۴، ۵، ۸، ۱۲، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۷، ۲۳، ۳۰). روایی و پایایی: بوری (۱۹۹۲) از روش بازآزمایی، پایایی این ابزار را در مادران و پدران به ترتیب برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، ۰/۸۱ و ۰/۷۷، شیوه استبدادی ۰/۸۶ و ۰/۸۵ و برای شیوه مقتدرانه ۰/۸۷ و ۰/۸۸ گزارش کرده است. وی همچنین روایی تشخیصی این پرسش‌نامه را معتبر گزارش نموده است (شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹). پایایی این آزمون را به روش باز آزمایی برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای سبک استبدادی ۰/۷۷ و برای سبک دموکراتیک یا اقتدار منطقی ۰/۷۳ محاسبه کرده است.

پرسشنامه مسئولیت‌پذیری اجتماعی: این پرسشنامه توسط براس (۲۰۰۹) ساخته شده و شامل ۲۰ سؤال ۵ گزینه‌ای در مقیاس لیکرت است. پرسشنامه سه مؤلفه خودنظمی، وظیفه‌شناسی و خودمدیریتی را سنجش می‌کند. هر مؤلفه توسط سؤال‌های زیر سنجش می‌شود. مؤلفه خودنظمی: ۱، ۲، ۳، ۵، ۱۱، ۱۶. وظیفه‌شناسی: ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷. خودمدیریتی: ۶، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰. شیوه نمره‌گذاری و تفسیر: هر عبارت ۵ گزینه است: کاملاً موافقم = ۵، موافقم = ۴، نظری ندارم = ۳، مخالفم = ۲، کاملاً مخالفم = ۱. نمره‌گذاری بر مبنای طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد. در سؤال‌هایی که مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند، اگر آزمودنی گزینه مخالف را انتخاب کند، نمره یک و اگر گزینه کاملاً مخالفم را انتخاب کند، نمره دو و اگر گزینه کاملاً موافقم را انتخاب کند، نمره پنج می‌گیرد. نمره‌گذاری سؤال‌های معکوس برعکس می‌باشد (یعنی سؤال‌های ۸، ۶، ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰).

پرسشنامه ویژگی‌های شخصیتی پنج عاملی نئو: این پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود. نمره‌گذاری: بر اساس مقیاس لیکرتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی‌تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. نمره‌گذاری فرم کوتاه این پرسشنامه در تمام مواد یکسان نیست. به این معنی که در نمره‌گذاری برخی از مواد فرم کوتاه پرسشنامه، به کاملاً مخالفم نمره ۴، مخالفم نمره ۳، بی‌تفاوت نمره ۲، موافقم نمره ۱ و کاملاً موافقم نمره ۰ تعلق می‌گیرد. در

حالی که برخی دیگر از مواد این فرم کوتاه به صورت عکس حالت گفته شده نمره‌گذاری می‌شوند. اعتبار و روایی: در حال حاضر آزمون ۵ عاملی نئو کاربردی جهانی دارد. پرسشنامه شخصیتی توسط مک کری و کاستا روی ۲۰۸ نفر از دانشجویان آمریکایی به فاصله سه ماه اجرا گردید که ضرایب اعتبار آن بین ۰/۸۳ تا ۰/۷۵ بدست آمده است. اعتبار درازمدت این پرسشنامه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. یک مطالعه طولانی ۶ ساله روی مقیاس‌های روان آزدگی‌خویی، برون‌گرایی و باز بودن نسبت به تجربه، ضریب‌های اعتبار ۰/۶۸ تا ۰/۸۳ را در گزارش‌های شخصی و نیز در گزارش‌های زوج‌ها نشان داده است. ضریب اعتبار دو عامل سازگاری و با وجدانی به فاصله دو سال به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۶۳ بوده است.

روش اجرا: آزمون‌های مذکور در یک بازه زمانی به صورت آنلاین برگزار شد. پس از بیان هدف کلی اجرای آزمون و جلب اعتماد و همکاری آزمودنی‌ها و توضیح دادن درباره شیوه پاسخ دادن به پرسش‌ها، از آنان خواسته شد که بدون ذکر نام، به پرسش‌های آزمون پاسخ دهند. پس از جمع‌آوری آزمون‌ها، پاسخ‌های آزمودنی‌ها مطابق دستورالعمل استاندارد این آزمون‌ها نمره‌گذاری و تجزیه و تحلیل شد.

ملاحظات اخلاقی پژوهش: کلیه پاسخ دهنده‌ها آزادی کامل داشتند که در صورت عدم تمایل در پژوهش شرکت نکنند. این اطمینان به آزمودنی‌ها داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی مورد استفاده قرار خواهند گرفت. به منظور رعایت حریم خصوصی نام و نام خانوادگی شرکت کنندگان ثبت نشد.

یافته‌ها

نتایج آمار توصیفی نشان داد ۴۳ درصد زیر ۳۰ سال، ۴۱ درصد بین ۳۱ تا ۳۵ سال و ۱۶ درصد بین ۳۵ تا ۴۰ سال هستند. ۲۱ درصد نمونه را مادران دارای تحصیلات دیپلم، ۴۶ درصد کارشناسی، ۲۷ درصد کارشناسی ارشد و ۶ درصد مادران در سطح تحصیلات دکترا هستند.

بررسی مفروضه‌های تحلیل رگرسیون. سطح داده‌های فاصله‌ای: سطح متغیرهای پیش‌بین و ملاک، زمانی که از SPSS برای برآورد پارامترها استفاده می‌شود باید حداقل فاصله‌ای باشد، که در این پژوهش از داده‌های فاصله‌ای استفاده شده است. همچنین متغیرهای پیش‌بین از نوع فاصله‌ای است.

- آزمون مستقل بودن داده‌ها: این آزمون با استفاده از آماره دوربین واتسون اندازه‌گیری می‌شود. اگر آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد نشان می‌دهد که این پیش فرض رعایت شده است. در این پژوهش آماره دوربین واتسون ۱/۸۴ به دست آمد که نشان می‌دهد این پیش فرض رعایت شده است.

- نرمال بودن توزیع صفات: توزیع نمره‌های متغیر وابسته در جامعه برای هر ارزش متغیر مستقل بایستی به صورت نرمال باشد. برای بررسی این مفروضه آماره کولموگروف اسمیرنوف با استفاده از SPSS مورد بررسی قرار گرفت که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱ آماره کولموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن

متغیرها	آماره z	DF	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری	۰/۷۵	۱۲۰	۰/۶۱

نتایج بررسی نرمال بودن متغیرها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف نشان داد متغیر پژوهش دارای توزیع نرمال است. - چند هم خطی: جهت بررسی این پیش فرض اساسی از شاخص Tolerance و VIF استفاده شد و نتایج نشان داد از آنجایی که در همه متغیرها مقدار Tolerance کمتر از ۰/۱ نبوده و شاخص VIF نیز بیشتر از ۱۰ نبود بنابراین چندهم خطی وجود ندارد.

بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان

جدول ۲ بررسی چند هم خطی

VIF	Tolerance	متغیر
۸/۳۴	۰/۱۲	سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه
۲/۷۳	۰/۳۶	سبک فرزندپروری استبدادی
۲/۶۳	۰/۳۸	سبک فرزندپروری آزاد
۸/۱۲	۰/۱۲	روان رنج‌خویی
۴/۹۷	۰/۲۰	گشودگی
۳/۶۰	۰/۲۸	برون‌گرایی
۲/۲۷	۰/۴۴	توافق
۲/۲۰	۰/۴۵	وجدان‌گرایی

جهت بررسی فرضیه پژوهش سبک‌های فرزندپروری با نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران می‌تواند مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی پیش‌بینی نماید. قبل از آزمون مدل ابتدا مفروضه‌های همخطی بودن متغیرها و استقلال خطاها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که شاخص تحمل و شاخص تورم واریانس و همچنین مقدار شاخص دوربین واتسون که به منظور بررسی مفروضه استقلال خطا اجرا شد و در محدوده قابل قبول به دست آمد. اگر شاخص تحمل کوچکتر از یک ($collinearity < 1$)، شاخص تورم کوچکتر از ده ($vif < 10$) و مقدار آزمون دوربین واتسون کوچکتر از چهار باشد ($Durbin-Watson < 4$) می‌توان گفت که از مفروضه‌های رگرسیون تخطی صورت نگرفته است. بنابراین با توجه به شاخص‌های به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که شرایط انجام آزمون رعایت شده است. بنابراین به منظور آزمون مدل تحلیل مسیر مورد نظر، یعنی بررسی سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی با توجه به نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد که شاخص‌های برازش تحلیل مسیر، حاکی از برازش کلی مدل مورد نظر بود. برای بررسی برازش مدل‌های عاملی از شاخص‌های ۱. نسبت مجذور کای به درجه آزادی ۲. شاخص بنتلر-بونت (NFI) و تاکر-لویز یا شاخص نرم نشده برازندگی (NNFI)، ۳. شاخص ریشه میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) و معیارهای دیگر RMR، GFI، AGFI، CFI استفاده شده است.

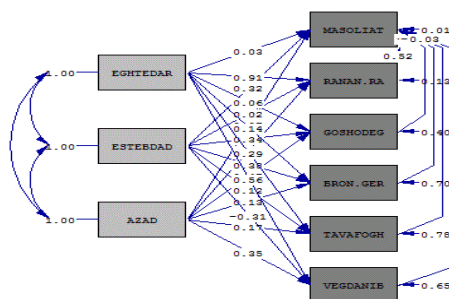
جدول ۳ شاخص‌های نیکویی برازش برای فرضیه اصلی پژوهش

مدل	χ^2	df	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	NFI	CFI	NNFI
سه عاملی	۱۲/۷۹	۱۰	۱/۲۷	۰/۰۹	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۸۸	۰/۸۹	۰/۸۹

همانطور که در جدول ۳ آمده است، معیارهای $GFI=0/82$ و $AGFI=0/87$ به دست آمده نشان دهنده این است که مدل از برازش خوبی برخوردار است، یعنی تأیید می‌شود. همچنین حاصل مجذور کای بر درجه آزادی ۱/۲۷ است همچنین در مدل ارائه شده NFI و NNFI به ترتیب برابر با ۰/۸۸ و ۰/۸۹ است که نشان می‌دهد شاخص‌های مدل از برازش خوبی برخوردار بوده است.

جدول ۴ ضرایب مسیرهای مدل پژوهش

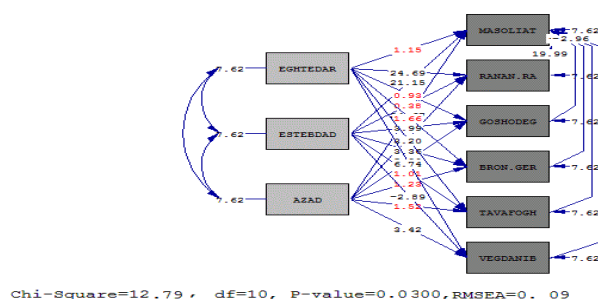
نوع ضریب	مسیر	ضریب مسیر استاندارد شده	مقدار آماره t	سطح معناداری
۱	سبک اقتدارگرا به مسئولیت پذیری	۰/۰۳	۰/۱۴	۰/۸۳
۲	سبک آزادگرا به مسئولیت پذیری	-۰/۳۷	-۶/۵۴	۰/۰۰۱
۳	سبک مستبد به مسئولیت پذیری	۰/۳۲	۴/۱۱	۰/۰۰۱
۴	سبک اقتدارگرا به روان رنجور خویی	۰/۹۱	۲۴/۶۹	۰/۰۰۱
۵	سبک اقتدارگرا به گشودگی	۰/۰۶	۱/۶۶	۰/۷۴
۶	سبک اقتدارگرا به برون گرایی	۰/۱۴	۲۴/۶۷	۰/۰۰۱
۷	سبک اقتدارگرا به توافق	۰/۲۹	۳/۲۰	۰/۰۲
۸	سبک اقتدارگرا به وجدان گرایی	۰/۵۶	۶/۷۴	۰/۰۰۱
۹	سبک آزادگرا به روان رنجور خویی	۰/۰۴	۰/۸۵	۰/۹۲
۱۰	سبک آزادگرا به گشودگی	۰/۴۷	۱/۲۳	۰/۱۷
۱۱	سبک آزادگرا به برون گرایی	۰/۱۳	۳/۹۹	۰/۰۱
۱۲	سبک آزادگرا به توافق	۰/۱۷	۱/۵۲	۰/۲۱
۱۳	سبک آزادگرا به وجدان گرایی	-۰/۳۵	-۳/۴۲	۰/۰۳
۱۴	سبک مستبد به روان رنجور خویی	۰/۰۲	۰/۳۸	۰/۹۷
۱۵	سبک مستبد به گشودگی	-۰/۳۴	-۳/۳۶	۰/۰۱
۱۶	سبک مستبد به برون گرایی	۰/۳۸	۰/۹۳	۰/۹۴
۱۷	سبک مستبد به توافق	۰/۱۲	۱/۰۱	۰/۵۸
۱۸	سبک مستبد به وجدان گرایی	-۰/۳۱	-۲/۸۹	۰/۰۴
۱۹	روان رنجور خویی به مسئولیت پذیری	۰/۵۲	۱۹/۹۹	۰/۰۰۱
۲۰	گشودگی به مسئولیت پذیری	۰/۰۲	-۰/۵۴	۰/۹۲
۲۱	برون گرایی به مسئولیت پذیری	-۰/۰۴	-۱/۰۸	۰/۴۹
۲۲	توافق به مسئولیت پذیری	-۰/۰۲	-۱/۹۶	۰/۷۶
۲۳	وجدان گرایی به مسئولیت پذیری	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۹۶



Chi-Square=12.79, df=10, P-value=0.0300, RMSEA=0.09

شکل ۱ اثرات مستقیم موجود و ضرایب مسیر آنها در الگوی پیشنهادی

بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان



شکل ۲ اثرات مستقیم موجود و معناداری آنها در الگوی پیشنهادی

شاخص‌های تولیدی الگوی معادلات ساختاری فقط محدود به شاخص‌های برازش کلی الگو نیست، بلکه پارامترهای استاندارد β و γ و مقادیر t متناظر با آن برای هر یک از مسیرهای علی از متغیر برونزاد سبک‌های فرزند پروری به متغیرهای درونزاد مسئولیت‌پذیری (ضرایب گاما) و از متغیر برونزاد سبک‌های فرزندپروری به متغیرهای میانجی ویژگی‌های شخصیت (ضرایب گاما) و از متغیر نهفته میانجی ویژگی‌های شخصیت به متغیر نهفته درونزاد مسئولیت‌پذیری (ضرایب بتا) نیز وجود دارد. این ضرایب و شاخص‌ها، قدرت نسبی هر مسیر را نیز نشان می‌دهد. ضرایب β و γ رگرسیون استاندارد شده‌اند و مقدار آنها حتماً باید بین صفر و یک باشد. همانطور که در جدول مشاهده می‌شود مسیر گاما سبک آزادگرا به مسئولیت‌پذیری و مسیر گاما سبک مستبدانه به مسئولیت‌پذیری معنادار است. مسبر بتا از روان رنجورخویی به مسئولیت‌پذیری معنادار است. در مجموع می‌توان گفت مدل کلی پیشنهادی از برازش مورد قبولی برخوردار است. ضرایب مسیر γ و مسیر β در تمام مسیرها معنادار نبود اما ضرایب شاخص‌های نیکویی برازش در سطح بالا و قابل قبولی بود. این بدین معنی است که مسیرهای علی مفروض مستقیم و غیر مستقیم الگوی کلی به خوبی تأیید شدند.

نتیجه این یافته با یافته‌های جامعی (۱۳۹۹)، دودمان (۱۳۹۷)، خادم، علی‌زاده و پورعسگری (۱۳۹۷)، زرین‌جوی‌الوار و فیاض (۱۳۹۶)، شیخ‌الاسلامی و برزو (۱۳۹۴)، بیرامی، کریمی‌نژاد و موحدی (۱۳۹۳)، هدایتی، هدایتی، فاتحی‌زاده، آکوچیان، بهرامی و اعتمادی (۱۳۸۷)، رنجبر و بیان‌فر (۱۳۹۸)، بدید و فتحی‌اقدام (۱۳۹۴)، مرتضوی و امیری‌مجد (۱۳۹۷)، ناظر، مختاری، صیادی و مشایخی (۱۳۹۵)، مسعودیان و جدیدی (۱۳۹۴)، نسپلن و مروه^{۱۹} (۲۰۱۸)، گاستلو، گاستلو و بریج^{۲۰} (۲۰۱۴)، مونیکا و کورانچی^{۲۱} (۲۰۱۳)، منشا و مونیکا^{۲۲} (۲۰۱۳)، بریکلند، بریویک و ولد^{۲۳} (۲۰۱۳) و لنزی، وینو، سانتینلو، ناتین و ووگیت^{۲۴} (۲۰۱۴) همخوان است.

۱- مسیر گاما سبک آزادگرا به مسئولیت‌پذیری معنادار است. در سبک آزادگرا، والدین در مقایسه با ایده‌آل‌های خودشان به ترجیحات فرزندان اولویت بیشتری می‌دهند و به ندرت کودک را وادار به اجرای معیارهایشان می‌کنند. (زمانی که فرد از بیرون دستور بگیرد که چه کار کند و چه کار نکند، مسلماً مسئولیت‌پذیری در این افراد کمتر خواهد شد، برای دستیابی به مسئولیت‌پذیری، انگیزه درونی و خودجوش لازم است، نه اجرای دستورات دیگران، اجرای دستورات دیگران، گاهاً می‌تواند سبب نفرت و سرکشی از دستور دهنده شود تا مسئولیت‌پذیر شدن فرد). خانواده آزادگرا، همان‌طور که از نامش پیداست، کاری به کار فرزندان خود ندارند، کودکان به دلخواه خود هر کاری را انجام می‌دهند، والدین هم به نیازها و خواسته‌های خود بیشتر توجه

¹⁹ Neslihan & Merve İmir

²⁰ Guastello, Guastello & Briggs

²¹ Monica Konnie Mensah & Alfred Kuranchie

²² Mensah & Monica

²³ Birkeland, Breivik & Wold

²⁴ Lenzi, Vieno, Santinello, Nation & Voight

دارند تا به نیازهای فرزندان خود، این گونه والدین به فرزندشان احساس مسئولیت کمتری دارند، میزان مسئولیت‌پذیری در این نوع خانواده‌ها کمتر از انواع دیگر است.

خانواده آزادگذار، از آنجایی که نسبت به فرزندان خود بی‌مسئولیت هستند، بنابراین نمی‌توانند مهارت‌های مسئولیت‌پذیر بودن را به فرزندان خود آموزش دهند، فرزندان این خانواده‌ها در بی‌هدفی سیر می‌کنند، این خانواده بی‌نظم و نامرتب هستند، بنابراین همکاری در امور منزل ندارند، که بخواهند فرزندان خود را مسئولیت‌پذیر بار آورند، والدین، در فعالیت‌های انسان‌جویانه شرکت نمی‌کنند، که فرزندان بخواهند از آنها مسئولیت‌پذیری را بیاموزند، زیرا از آنجایی که می‌دانیم یکی از طرق یادگیری رفتار، مشاهده یا تقلید است، زمانی که والدین بی‌مسئولیت هستند، چه طور می‌توان انتظار داشت فرزندان مسئولیت‌پذیر شوند. فرزندان دارای والدین سهل‌گیر، یا آزادگذار، اغلب بی‌هدف بوده و دارای استقلال و پیشرفت بسیار کمی هستند، خود کنترلی و اعتماد به نفس در آنها نیز کم بوده و نشانه‌هایی از استقلال و مسئولیت‌پذیری ندارند، بنابراین در این خانواده‌ها هیچ ملاک و معیاری برای تربیت فرزندان وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد بنا به شرایط و مقتضیات دگرگون می‌شود، هرج و مرج حاکم بر خانواده و مشخص نبودن ضوابط، پیروی از تمایلات را شدت می‌بخشد و فرزند را از برخورد با واقعیت‌های زندگی دور می‌سازد، این فرزندان افرادی بی‌بند و بار، سهل‌انگار، خودخواه و بی‌هدف هستند که میزانی برای اعمال و رفتار خود ندارند، احساس مسئولیت نمی‌کنند و قادر به زندگی اجتماعی مطلوب نیستند.

۲- مسیر گاما سبک مستبدانه به مسئولیت‌پذیری معنادار است. در این نوع سبک فرزندپروری، والدین قواعد و انتظارات خشکی را وضع کرده و به طور سخت و جدی آنها را اعمال می‌کنند. این نوع از سیستم خانوادگی به ویژه برای نوجوانان که تمایل به موضع‌گیری برخلاف والدین قدرت‌طلب دارند، مشکل‌ساز است. از آنجایی که والدین در این شیوه فرزند پروری سعی می‌کنند فرزندان خود را ملزم به رعایت قوانین و دستورات بی‌چون و چرا نمایند، انتظار رفتار بالغانه و انضباط پیوسته یکسان از جمله شاخص‌های این نوع خانواده است، این والدین نسبت به نیازهای فرزندان خود بی‌توجه هستند، از آنجایی که این گونه خانواده‌ها، به فرزندان استقلال و آزادی عمل نمی‌دهند، فرزندان، افرادی وابسته به والدین و اطرافیان هستند، بنابراین مسئولیت‌پذیری در آنها بسیار پایین است. زمانی که کودک در محیط خانواده سالم، پذیرنده رفتارها و نقش‌های مثبت باشد، حس مسئولیت‌پذیری نیز در وی شکل می‌گیرد، همان گونه که اصول شناختی در نگرش اسلامی، توجه به اصل مسئولیت، رشد و تکامل آن در انسان دارد. نکته دیگر این که مسئولیت‌پذیری امری ارثی نیست، بلکه باید از طریق تجربه آموخت و این حس زمانی در فرزند پدید می‌آید که به او مسئولیت داده شود، اثربخشی و بازخورد پاسخ‌های خود را دریافت کرده و در زمینه راه‌های گوناگون که در سایر موقعیت‌ها مناسب است نیز اطلاعاتی داشته باشد. که این مهم متأسفانه در خانواده‌های مستبدانه این مهم برای فرزندان فراهم نمی‌شود. مسئولیت‌پذیری قسمتی از شخصیت طبیعی هر انسانی است، اما مسئولیت‌پذیری در افراد مختلف دارای درجات مختلفی می‌باشد، مسئولیت‌پذیری و شناسایی ارزش‌های فردی در پیشگیری به انواع ناهنجارهایی رفتاری نقش اساسی دارد، با توجه به اهمیت و ارزش شیوه‌های فرزندپروری والدین با اهداف افزایش مسئولیت‌پذیری فرزندان، فقدان شیوه فرزندپروری مناسب باعث ارزشمندی فرد خواهد شد، لذا شیوه فرزندپروری مناسب، زمینه ساز رشد مهارت‌های اجتماعی (مسئولیت‌پذیری) دانش‌آموزان و در نهایت، آسایش و رفاه مردم کشور است، آموزش مسئولیت‌پذیری از طریق فعالیت‌های اجتماعی، درسی است که در ذهن دانش‌آموز ماندگار می‌شود، مسئولیت‌پذیری از کودکی شکل می‌گیرد، فرزندان باید فعالیت‌های مربوط به مسئولیت‌پذیری را خیلی زود و به طور مداوم آغاز کنند تا دستیابی به اهداف ارزشمند به صورت عادی شکست‌ناپذیر در آنها درآید.

۳- مسبر بتا از روان‌رنجورخویی به مسئولیت‌پذیری معنادار است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، روان‌رنجورها اشخاص واکنشی هستند که هیجانات منفی بیشتری نسبت به دیگران تجربه می‌کنند این اشخاص به هرگونه محرکی واکنش نشان می‌دهند. در مجموع تمایل عمومی به تجربه عواطف منفی چون ترس، غم، دست‌پاچگی، عصبانیت، کم‌رویی، احساس گناه و نفرت، مجموعه حیطة روان‌رنجورخویی را تشکیل می‌دهند. آنها درجه انطباق ضعیف‌تری با دیگران دارند و از نظر عاطفی

بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان

بی‌ثبات هستند. از سوی دیگر روان‌رنجوری شامل احساسات منفی مانند عصبانیت، ناراحتی، دستپاچگی، باورهای نامعقول و غیر واقع‌بینانه، کنترل بسیار کم تکانه‌ها در مقابل نیازها، احساس ناامنی، تنیدگی، اضطراب، افسردگی و خصومت و آسیب‌پذیری است. بنابراین این احتمال وجود دارد که افراد روان‌رنجور، در مقایسه با افراد عادی، توانایی کمتری برای مقابله با چالش‌های زندگی روزمره داشته باشند. افراد دارای نمرات بالا در روان‌رنجوری دارای باورهای غیرمنطقی نیز می‌باشند، قدرت کمتری در کنترل تکانه‌ها داشته باشند و در انطباق با دیگران و شرایط فشار روانی ضعیف‌تر عمل می‌کنند. با اندکی تعمق در این ویژگی‌ها می‌توان گفت، افراد روان‌رنجور نمی‌توانند مسئولیت‌پذیر باشند، بنابراین فرزندان این خانواده‌ها به دلیل این که کسی نیست، که وظایف آنها را انجام دهند، به دلیل احساس بی‌پناهی، انجام نداشتن امور، خود مجبور می‌شوند وظایف خود را انجام دهند، هر قدر هم وظایف خود را بهتر و بیشتر انجام می‌دهند، مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند.

در راستای این یافته هلسیم، ولان و باستیان^{۲۵} (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که روان‌رنجور خوبی با خستگی ارتباط مثبت و معنادار دارد، با توجه به این یافته می‌توان گفت، والدین خسته، مسئولیت‌پذیر نیستند، بنابراین فرزند آنها برای انجام امور خود، مجبور است که کارهای خود را انجام دهد و به همین دلیل مسئولیت‌پذیر می‌شود. ویژگی شخصیتی، اغلب به عنوان نیروی سازمان دهنده رفتار آدمی در نظر گرفته می‌شود و از این رو همواره جایگاه برجسته‌ای در روانشناسی داشته است، کسی که از ویژگی روان‌رنجور خوبی برخوردار است، این ویژگی تمام رفتارها و اعمال او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این خانواده‌ها بر خلاف خانواده‌های شیوه تربیتی مقتدر، که در مورد فرزندشان ثابت قدم هستند، الگوهایی از رفتارهای ابراز وجود و اعتماد را به آنها ارایه می‌دهند، همچنین روش انضباطی آنان توأم با گرمی، انعطاف‌پذیری است که موجب افزایش رفتاری‌های مثبت مانند مسئولیت‌پذیری در آنها می‌شود، در خانواده‌های سهل‌گیر خبری از این رفتارها و ویژگی‌ها وجود ندارد که فرزندان به سمت و سوی رفتارهای مثبت مثل مسئولیت‌پذیری قدم بردارند.

روان‌رنجور خوبی با تمایل فرد برای تجربه اضطراب، تنش، ترحم‌جویی، خصومت، تکانشوری، افسردگی، عزت نفس کم و سلامت هیجانی پایین ارتباط دارد. وجود این ویژگی‌های منفی در والدین، می‌تواند تجربه فرزندان آنها را تغییر دهد، زمانی که فرزندان مشاهده می‌کنند که والدین با این ویژگی نمی‌توانند به اهداف خود برسند تغییر مسیر داده و راه بهتری انتخاب می‌کنند. فرزند این خانواده دیگر تمایلی برای تجربه اضطراب، تنش، ندارد، بنابراین خودجوش وظایف خود را انجام می‌دهد. مادر افسرده نمی‌تواند مسئولیت‌پذیر باشد، بنابراین فرزندان این خانواده، مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند، چون مجبور هستند مسئولیت‌ها و وظایف والدین را نیز انجام دهند. زمانی که فرزند وارد منزل می‌شود و مشاهده می‌کند هیچ یک از امور منزل مانند تهیه غذا، تمیز کردن منزل انجام نشده، مادر خانواده افسرده و ناراحت و زندگی آشفته است دست به کار شده و زندگی را سر و سامان می‌دهد، این عامل دلیلی می‌شود برای مسئولیت‌پذیر شدن فرزندان این خانواده‌ها.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به مواردی اشاره نمود از جمله، ۱- از آن‌جا که ابزار سنجش متغیرها از نوع ابزار خود گزارش‌دهی است، تکمیل پرسشنامه‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر علائق خود یا خودنمایی و استراتژی مدیریت برداشت قرار می‌گیرد. بهتر است برای اطمینان یافتن از نتایج در کنار ابزارهای خود گزارش‌دهی، از روش‌های دیگری مانند مشاهده، مصاحبه استفاده شود. ۲- گروه نمونه مورد مطالعه حاضر تنها در شهر همدان انتخاب شد. از این رو تعمیم نتایج و به کارگیری ابزار برای مناطق و شهرهای دیگر با توجه به گستردگی فرهنگی و نژادی و همچنین روی گروه‌های نمونه دیگر باید با احتیاط انجام پذیرد. ۳- محافظه‌کارانه پاسخ دادن پاسخگویان و نظر واقعی خود را اعلام نکردن. ۴- شرایط بیماری کرونا و اجرای پرسشنامه‌ها به صورت مجازی، جمع‌آوری داده‌ها را با اندکی محدودیت مواجه ساخت. لذا پیشنهاد می‌شود، ۱- سبک صحیح فرزندپروری را به صورت جزوه، کارگاه آموزشی، جلسات خاص و غیره به والدین آموزش داد تا بتواند تضمین‌کننده مسئولیت‌پذیر بودن

دانش‌آموزان باشد. ۲- تربیت و پرورش فرزندان با ویژگی گشودگی به تجربه، برونگرا و سازگار از اولویت‌های تربیتی قرار گیرد تا در آینده شاهد پرورش دانش‌آموزانی، با مسئولیت‌پذیری بالا داشته باشیم. ۳- استفاده بیشتر از شیوه مقتدرانه توسط والدین در شیوه‌های فرزندپروری، تا فرزندان مسئولیت‌پذیرتر شوند.

بررسی ارتباط سبک‌های فرزندپروری با مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدائی و نقش میانجی ویژگی‌های شخصیتی مادران در شهر همدان

منابع

- [۱] اتکینسون، ریتا. ال، اتکینسون، ریچارد، اس، هیلگارد، ارسنت، آر. (۲۰۰۰). زمینه روان‌شناسی هیلگارد. ترجمه براهنی، محمدنقی. بیرشک، بهروز. بیگ، مهرداد و شهرآرای، مهرناز. (۱۳۹۶). تهران: انتشارات رشد.
- [۲] اخوت، ولی‌ا... و دانشمند، لقمان. (۱۳۸۴). ارزشیابی شخصیت. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳] بدید، زهره و فتحی اقدام، قربان (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان شهر بابک. دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی. مشهد.
- [۴] بیرامی، منصور؛ کریمی‌نژاد، کلثوم و موحدی، یزدان (۱۳۹۳) رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین و مسئولیت‌پذیری نوجوان. اولین کنگره ملی روانشناسی خانواده گامی در ترسیم الگوی مطلوب خانواده.
- [۵] ترکمن مریم؛ مرادی، حجت اله. (۱۳۹۹). پیش‌بینی انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان دختر بر اساس کمال‌گرایی و ویژگی‌های شخصیتی مادران. نشریه علمی رویش روان‌شناسی، ۹(۲)، ۴۷-۵۶.
- [۶] جامعی، زلیخا. (۱۳۹۹). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری بر میزان مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان. پژوهشنامه اورمزد، ۵۱، ۱۶۲-۱۷۸.
- [۷] حاجی علیانی، وحید؛ نوری، ربابه. (۱۴۰۰). بررسی رفتارهای قلدرانه بر اساس سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی: یک مطالعه مروری. نشریه علمی رویش روان‌شناسی ۱۰(۵)، ۱۹۵-۲۰۸.
- [۸] خادم، کوثر؛ علی‌زاده، حامد و پورعسگری، هاجر. (۱۳۹۷) بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوجوانان. همایش ملی روان‌شناسی و سلامت با محوریت خانواده و زندگی سالم.
- [۹] دودمان، پروانه. (۱۳۹۷) رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان مهر. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، ۱۲(۴)، ۵۱-۶۰.
- [۱۰] رحیمی، سوسن؛ یزدی، امین؛ افروز، غلامعلی. (۱۳۹۸). مقایسه کارکرد تحولی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و استرس والدگری مادران دارای کودک مبتلا به اختلال طیف اوتیسم و هم‌تایان دارای کودک رشد بهنجار. نشریه پرستاری کودکان و نوزادان، ۶(۳)، ۱۴-۲۱.
- [۱۱] رزاقی، پرویز؛ طالع پسند سیاووش؛ رحیمیان بوگر، اسحق (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش مبتنی بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر رفتارهای غیر مولد تحصیلی دانش‌آموزان. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۹(۱)، ۱۰-۱.
- [۱۲] رنجبر، اشرف و بیان‌فر، فاطمه (۱۳۹۸) رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و مسئولیت‌پذیری معلمان با اهمال‌کاری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی و علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۲، ۱۷.
- [۱۳] زرین‌جوی‌الوار، مریم و فیاض، ایراندخت (۱۳۹۶) بررسی رابطه بین روش‌های تربیتی مادران با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، -----، ۲(۲)، ۳۷-۶۰
- [۱۴] شهاخت، فاطمه؛ ثابتی، علی‌رضا و رضوانی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح-واره‌های ناسازگار اولیه، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱۱(۲)، ۲۵۴-۲۳۹.
- [۱۵] شیخ‌الاسلامی، راضیه و برزو، شیوا (۱۳۹۴) فرزندپروری و مسئولیت‌پذیری در نوجوانان: نقش واسطه‌گری سبک‌های پرورش هویت. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۶(۱۹)، ۹۷-۱۲۰.
- [۱۶] فرزادی، فاطمه؛ بهروزی، ناصر؛ و شهینی ییلا، منیجه (۱۳۹۵) رابطه علی بین شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و بیانضباطی با میانجیگری خودتنظیمی هیجانی، مهارت‌های اجتماعی و نظریه ذهن. دوفصلنامه روانشناسی خانواده، ۳(۲)، ۳-۱۶.
- [۱۷] گلاسر، ویلیام. (۱۹۹۸). تئوری انتخاب. ترجمه علی صاحبی. (۱۳۹۰). تهران: انتشارات سایه سخن.
- [۱۸] مرتضوی، زهرا و امیری‌مجد، مجتبی. (۱۳۹۷) رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های فرزندپروری مادران با پرخاشگری کودکان دبستانی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۶، ۱۶۹-۱۵۸.

- [۱۹] مسعودیان، سحر و جدیدی، محسن (۱۳۹۴) رابطه بین ویژگی های شخصیتی و سبک های فرزندپروری والدین با خلق و خوی کودک. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی.
- [۲۰] ناظر، محمد؛ مختاری، محمدرضا، صیادی، احمدرضا و مشایخی، فاطمه. (۱۳۹۵) پیش بینی ویژگی های شخصیتی فرزندان بر اساس سبک های فرزندپروری و ارتباط آن با پنج عامل بزرگ شخصیت والدین، ۱۰(۱)، ۲۹-۳۹.
- [۲۱] هدایتی، بنت الهدی؛ فاتحی زاده، مریم سادات؛ آکوچیان، احمد؛ بهرامی، فاطمه و اعتمادی، عذرا. (۱۳۸۷). شیوه های مسئولیت پذیری و مسئولیت پذیری نوجوان، تعلیم و تربیت نوجوان و کودک. ۱۳۰.
- [۲۲] یکتا پرست، مدینه؛ اسعدی، سمانه؛ رحیمی، مهدی؛ رحیمی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی تحولی میزان مسوولیت پذیری و رابطه آن با سبک های فرزندپروری ادراک شده در ساکنان شهر یزد. فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی ۱۰(۱)، ۱۹-۲۸.
- [23] Aslan, S. (2011). The analysis of relationship between school bullying, perceived parenting styles and self-esteem in adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1798-1800.
- [24] Bartholomeu, D., Montiel, J. M., Fiamenghi G.A. and Machado, A.A. (2016). Predictive power of parenting styles on children's social skills: A Brazilian sample, *www. Sagepub.Com*.
- [25] Baumrind D. (1971). The influences of parenting style on adolescent competence and subs tance use. *J Early Adobes*; 11:56-95.
- [26] Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adolescent transition, In P. A. Cowan and E. M. Hetherington (Eds.), *Advances in family research series. Family transitions* (pp. 111-163), Hillsdale, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- [27] Birkeland, M. S., Breivik, K., Wold, B. (2013). Peer acceptance protects global self-esteem from negative effects of low closeness to parents during adolescence and early adulthood. *Journal of Youth and Adolescence*, 10, -929-937.
- [28] Burgos J, Carnero MC. (2020). Assessment of social responsibility in education in secondary schools. *Sustainability*, 12(4849): 1-38.
- [29] Buri, J. P. (1992). An instrument for the measurement of parental authority prototypes. Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association. Available: 306- 471 .
- [30] Cerezo, F., Ruiz-Esteban, C., Lacasa, C. S., & Gonzalo, J. J. A. (2018). Dimensions of parenting styles, social climate, and bullying victims in primary and secondary education. *Psicothema*, 30(1), 59-65.
- [31] Craddock N, Spotswood F, Rumsey N, Diedrichs PC. (2022). "We should educate the public that cosmetic procedures are as safe as normal medicine": Understanding corporate social responsibility from the perspective of the cosmetic procedures industry. *Body Image*. 43: 75-86.
- [32] Fletcher , K.E. , Fischer, M. ,Barkley, R.A. ,Smallish, L.(2006). A sequential of the mother adolescent interaction of ADHD, ADHD/ODD , and normal teenagers during neutral and conflict discussions, *Journal of Abnormal child psychology* , 24,271.
- [33] Fousiani, K., Dimitropoulou, P., Michaelides, M. P., & Van Petegem, S. (2016). Perceived parenting and adolescent cyber-bullying: Examining the intervening role of autonomy and relatedness need satisfaction, empathic concern and recognition of humanness. *Journal of child and family studies*, 25(7), 2120-2129.
- [34] Georgiou, S. N., Ioannou, M., & Stavrinides, P. (2018). Cultural values as mediators between parenting styles and bullying behavior at school. *Social psychology of education*, 21(1), 27-50.
- [35] Glasser W. (2013). *Choice Theory*. New York, HarperCollins Publisher .
- [36] Gómez-Ortiz, O., Del Rey, R., Casas, J. A., & Ortega-Ruiz, R. (2014). Parenting styles and bullying involvement/Estilos parentales e implicación en bullying. *Cultura y Educación*, 26(1), 132-158.
- [37] Guastello, D. D., Guastello, S. J., & Briggs, J. M. (2014). Parenting style and generativity measured in college students and their parents. *SAGE Open*, <http://sgo.sagepub.com/content/4/1/2158244013518053.full-text.pdf+html>, 1-10.

- [38] Haslam N, Whelan J, Bastian B. (2009). Big Five traits mediate associations between values and subjective well-being. *Personal Individ Differ*. 46(1):40–2.
- [39] Lak R, Mohaqeqkamali H, Hosseinzadeh S. (2019). The effectiveness of school-based social responsibility training on attitude toward juvenile delinquency among adolescent girls. *Social Welfare Quarterly*, 19(74): 97-131.
- [40] Lenzi, M., Vieno, A., Santinello, M., Nation, M., & Voight, A. (2014). The role played by the family in shaping early and middle adolescent civic responsibility. *The Journal of Early Adolescence*, 34(2), 251-278.
- [41] Martínez, I., Murgui, S., García, O. F., & García, F. (2019). Parenting in the digital era: Protective and risk parenting styles for traditional bullying and cyberbullying victimization. *Computers in Human Behavior*, 90, 84-92.
- [42] McCrae, R. R., & Costa, P. T. (1991). Adding liebe und arbeit: The full five-Factor Model & well-being, *Personality & Social Psychology Bulletin*, 17(2), 227-232.
- [43] McCrae, R.R., & Costa, P. T. (2004). A contemplated revision of NEO Five Factor inventory, *Journal of personality and individual differences*, 36, 587-596 .
- [44] Mensah K, Monica, K, A (2013). Influence of Parenting Styles on the Social Development of Children. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies* ISSN 2281 3993(Print) ISSN 2281-4612.
- [45] Mishar, P. and Kiran, U.V. (2017). Parenting style and social anxiety among adolescents. *International Journal of Applied Home Science*, 5(1): 117-123.
- [46] Monica Konnie Mensah & Alfred Kuranchie (2013). Influence of Parenting Styles on the Social Development of Children, *Academic Journal of Interdisciplinary Studies* MCSER Publishing, Rome-Italy. 2 ,3 November.
- [47] Neslihan Saltalı , Merve İmir. (2018). Parenting Styles as a Predictor of the Preschool Children's Social Behaviours ; *Participatory Educational Research (PER)* 5(2), 18-37.
- [48] Olsen, D. H., Olson, A. K. (2001). *Empowering Couple: Building on your strengths*. life Inn, Minnesota.
- [49] Paola Palacios Garay J, Zavaleta Oliver JM, Chaccara Contreras V, et al. (2021). Social responsibility in university students according to gender and age. *Health Education and Health Promotion*, 9(Special Issue): 513-519.
- [50] Rajendran, K., Kruszewski, E., & Halperin, J. M. (2016). Parenting style influences bullying: a longitudinal study comparing children with and without behavioral problems. *Journal of child psychology and psychiatry*, 57(2), 188-195.
- [51] Vanstone, M. D. & Hicks, R. E. (2019). Transitioning to university: Coping styles as mediators between adaptive-maladaptive perfectionism and test anxiety. *Personality and Individual Differences*, 141(15): 68-75